

### ۲- علوم تحصیلی:

همان طور که قبلاً بیان شد، در این بخش باید هدف ویژه هر علم را بشناسیم. باید بگوییم که این علوم در سبک حوزوی، در چند لایه فراگرفته میشود. هر علم حوزوی یک هدف ویژه و اختصاصی دارد که این هدف مختص حوزه است. به این معنا که ممکن است این درس در خارج از حوزه هم خوانده شود اما هدف خواندن این درس در خارج از حوزه، ناظر به اهداف عمومی است.

### (۱) هدف آموزش فقه (احکام):

#### هدف عمومی:

یادگیری احکام شخصی. چنین فردی باید احکام مرجع خود را بخواند. این کار را تمام افراد باید انجام دهند.

#### هدف قدری تخصصی تر:

یاد دادن احکام به دیگران، چنین فردی باید نظرات مختلف را نیز یادبگیرد. اما این هدف را بسیاری افراد دیگر هم دارند مانند مربیان احکام غیرحوزوی.

#### هدف ویژه این درس در حوزه:

درس احکام اولین حلقه از پیوستار فقه است. احکام، فقه غیراستدلالی است. برای اینکه یک علم به صورت عمیق یادگیری شود باید در سه لایه غیر استدلالی، نیمه استدلالی و تمام استدلالی دنبال شود. بنابراین کتاب احکام را باید با توجه به این هدف مطالعه کرد.

### فقه غیراستدلالی و خواندن آن دارای چه لوازمی است؟

#### (۱) آشنایی با اصطلاحات اولیه فقهی

اگر کسی بخواهد به منابع همین فقه غیراستدلالی مثلاً کتاب حاشیه عروه رجوع کند چیزی متوجه نمیشود. مثل اینکه اصطلاح عربی احتیاط واجب چیست؟ در این مرحله باید یک طلبه بتواند با رجوع به حاشیه عروه بداند که نظر مراجع مختلف چیست؟ زیرا چنین هدفی را در لمعه مشاهده نمیکنیم و آنجا هدف دیگری دنبال میشود. اصطلاحاتی مانند:

لا یخلو من وجه، لایبعد، محل اشکال، لا تردد و ... که حدوداً ۵۰ اصطلاح است که باید در همین پایه اول دانسته شود زیرا در لمعه چنین چیزی آموزش داده نمیشود.

#### (۲) آشنایی با معنای واقعی برخی الفاظ

مثلاً وقتی میگوید: اگر ظن قوی داری ...

#### (۳) ملاک پژوهی (کشف مناط)

احکامی و مواردی این چنینی مورد نظر است:

- وقتی میگوید که نماز قضای پدر بر عهده پسر بزرگتر است ... اگر هنگام فوت پدر فرزند در شکم مادر یک ماهه باشد، این صدق پسر بزرگتر میکند یا نه؟
  - وقتی میگوید که یک بار آب ریختن در وضو و ... ملاک بار چیست؟
- با این ملاک ها وقتی وارد لمعه میشود بررسی میکنید که آن کسانی که پسر بزرگتر را به آن

صورت تعریف کرده اند، بر چه اساسی این استدلال را کرده اند  
در مثال دوم میپرسیم که شما که ملاک را برای دانستن بار، عرف دانسته اید چه دلیلی داشته  
است، میگویند که این مربوط به فقه تمام استدلالی است.  
▪ مسافر دقیقاً چه کسی است؟

#### ۴) قالب ها

- یکی سری قالب تکرار شونده در فقه وجود دارد.
- مثلاً حکم کلی را میگویند و بعداً میگویند که حکم فرد فراموشکار، قاصر، جاهل، ملتفت و ... در این حکم چیست؟
- قالب های شک و ظن و یقین قالب هستند:
- ظن در اصل نماز حکم شک دارد و در تعداد رکعات حکم یقین را دارد.
- اگر اول فکر کرده درست انجام داده بعداً متوجه شده که اشتباه بوده ... احکام را باید به صورت یادگیری این قالب ها فرابگیریم، بنابراین احکام حفظی نیست.

#### ۵) اصل ها

- اگر شک کردیم بر وجود یا عدم وضو، اصل بر چیست؟  
اصل سازی طبق چه قانونی است؟

#### ۶) بنیادهای فقه

##### ۱) فهم عرفی

محورش رویکرد عقلانی نیست بلکه ملاکش فهم عرف است.  
♦ مثلاً در بحث مانع شدن خودکار، جرم عرفی ملاک است. آقای مکارم میگوید که  
جرم عرفی نیست و عقلایی نیست که بگویی که هر چیزی که هست یک جرمی  
دارد، زیرا در اینجا ملاک، جرم عرفی است.

##### ۲) قالب های کلی

باید با این قالب ها میتوان ۱۰ مسئله را به یک مسئله تبدیل کرد و مسائل کلان میتوانند  
مثلاً ۱۰۰ تا مسئله را حل کنند.

#### ۷) روش بیان احکام

#### ۲) هدف منطق:

##### ۱) هدف عمومی منطق

جلوگیری از خطای در فکر کردن تصویری و تصدیقی. برای رسیدن به این هدف عمومی،  
**استدلال و مغالطه** را خیلی مهم میدانند و بیشتر به این فصول میپردازند. اما این اهداف ناظر به  
هدف عمومی است. این هدف را دانشگاهی و وکیل و ... هم دارند. اگر هدف ما هم این بود، دیگر  
لازم نبود سه تا منطق بخوانیم!!!

##### ۲) هدف ویژه منطق

#### منطق زبان فهم فلسفه، کلام و اصول است.

کسی که منطق را خوب بخواند، این دروس را خوب میتواند یاد بگیرد. منطق پایه‌ی این دو علم  
است. بنابراین با این هدف ویژه، دیگر استدلال و مغالطات مهم نخواهند بود بلکه سرفصل  
**تصورات** مهمتر میشود. به همین دلیل است که علامه به این فصل توجه بیشتری کرده است.  
علم منطق مطلوب در حوزه، علمی است که ناظر به **فلسفه مالاصدرا** باشد!  
غالباً کتب منطقی بر اساس **فلسفه مشأ** است و علامه و شهید مطهری میگویند که منطق

اسلامی بیشتر به امور حقیقی و عقلی پرداخته و باید به امور عقلایی و اعتباری نیز پردازند.

### ۳) هدف صرف و نحو و لغت:

#### ۱) هدف عمومی

در کل دنیا اهدافی از یادگیری زبان وجود دارد، خواندن، نوشتن، شنیدن و ... که در تمام یادگیری های زبان وجود دارد.

#### ۲) هدف ویژه حوزوی

#### درک عمق معنای آیات و روایات

صرف و نحو، علوم فصاحی هستند و بلاغت، علم بلاغی است. اصلی ترین هدف از خواندن دروس حوزوی، تسلط به عمق معانی قرآن و احادیث است. بنابراین اینکه گفته میشود که مثلاً قواعد را با فلان روش حفظ کنید، شماره قواعد و نمودار و ... اینها ناشی از این است که هدف ویژه حوزوی درک نشده است. مثلاً گفته میشود که بهتر است و باید **مکالمه** عربی کار شود در حالی که هدف ویژه حوزوی این نیست. امام خمینی ره میگوید که کسی رفته است مکه نزد یکی از اساتید ادبیات آن کشور و آن فرد به او گفته است که شما چرا در حوزه ها اینجوری عربی میخوانید، با کتابهایی درس میخوانید که نه میتوانید حرف بزنید، نه میتوانید بنویسید و ... اما مطالبی از قرآن استخراج میکنید که ما نمیتوانیم حتی درکشان کنیم!!!

#### آیا یادگیری مکالمه زبان عربی خوب است؟

هدف ویژه حوزوی از ادبیات عرب، این نیست اما از کمالات حوزوی است و برای کسی که به آن نیاز دارد خوب است یاد بگیرد.

در حال حاضر ۵ رویکرد اصلی نسبت به نحو مطلوب وجود دارد اما ما باید ناظر به رویکرد ویژه حوزوی رویکرد مناسب را پیدا کنیم که آن هدف، فهم عمق معناست.

#### توجه:

این متفاوت است با اهداف بلاغت که خود شامل سه دانش است، معانی، بیان و بدیع. هدف علم بلاغت، فهم اغراض **دانشی و گرایشی ترکیب های کلام** است و این را بررسی میکند که چرا مثلاً در فلان آیه از آن ترکیب استفاده شده است. این غرض **دانشی** است. غرض **گرایشی** هم به این معناست که مثلاً هنگامی که آیه و روایت میخواهد راجع به ترسناک بودن جهنم صحبت کند از تعبیرات خاصی استفاده میکند.

#### نمونه هایی از فهم عمق معنا:

■ شما فهمی را از کلام درک کرده اید حال بحث این است که چگونه میتوان این درک را به کمک ادبیات، به متکلم استناد داد.

#### ■ تفاوت واقعی لای نفی جنس با لای شبیه به لیس چیست؟

ممکن است عربی معاصر ناظر به این دقت ها نباشد اما دقت عربی عصر نزول قرآن بسیار زیاد بوده است.

#### ■ ربّ زدنی علما

در این آیه ، نقش علم چیست؟ مثلاً میتوان علمی گفته شود اما در این قالب ظرافتهایی وجود دارد. معنای این آیه این است که مرا از نظر علم پذیری ارتقاء بده و ظرف علم مرا زیاد کن! نه اینکه علم مرا زیاد کن ... این دو معنا بسیار متفاوت است.

با توجه به این دلیل، و اینکه هدف ما فهم عمق معناست، دیگر نمیتوانیم بر روی کتب معاصر

تکیه کنیم بلکه باید بر روی **کتاب قدیمی** تر تکیه کنیم.

#### ■ **علی بذكر الله تطمئن القلوب**

معنای دقیق این آیه چیست؟ ذکر، مصدر است و الله در نقش مضاف الیه است. وقتی مصدر اضافه میشود، مضاف الیه، هم میتواند فاعل باشد و هم مفعول، اگر خدا را فاعل بگیریم، معنا چنین است که وقتی خدا شما را یاد میکند، قلب آرام میشود!!!

بنابراین فهم عرفی، معنای مفعولی الله است اما میتوان آن را **فاعلی** هم در نظر گرفت.

در عین حال به دلیل قواعد بلاغی، در این آیه **حصر** هم وجود دارد. بنابراین ترجمه میتواند این باشد که:

آگاه باشید که فقط هنگامی قلب شما آرام میشود، که خدا به یاد شما باشد.

#### ■ **لیس کمثله شیء**

به چه معناییست؟ نیست، مثل مثل خدا ... به این معنا که مثل خدا وجود دارد اما مثل مثل خدا وجود ندارد! این رویکرد معارفی و کلامی است.

اما با رویکرد نحوی میگویند که کاف معنا ندارد و معنای تأکیدی دارد.

میتوان رویکرد بلاغی هم داشت. امام حسین علیه السلام به یزید لعنة الله میفرماید که مثل منی با مثل تویی بیعت نمیکند، شاید شبیه این آیه باشد.

#### ■ **بسم الله الرحمن الرحيم**

متعلق بسم الله کدام است؟

آیا اشکالی دارد که این بسم الله متعلق به الحمد ابتدای سوره باشد؟ در این صورت معنا به این صورت است که:

ال در الحمد به معنای حصر است، یعنی تمام حمد ها مختص خداوند است، به سبب اسم خداوند،

که آن رحمن و رحیم است. بنابراین به دلیل این دو اسم خداوند، حمد مخصوص خداوند است.

شاهد این تفسیر این است که بسم الله هر سوره، متعلق به قلب معنایی آن سوره است و **فقط** در

سوره حمد است که بسم الله الرحمن الرحيم، یک آیه جداگانه است اما در آیات دیگر اینطور

نیست.

#### **مثالهای صرفی:**

#### ■ **و عَنَّتِ الْوُجُودَ**

عنت از چه ریشه ایست؟

چگونه میتوان گفت که کلیه افعال صرفی به چه صورت است و در چه صورت میتوان مطمئن بود

که مثلاً این عنت چه احتمالاتی میتواند داشته باشد و دیگر احتمال دیگری قطعاً ندارد؟

#### ■ **تفاوت ما و لا برای نفی چیست؟**

#### ■ **فرق مطاوعه با مجهول چیست؟**

مثلاً وقتی میخواهیم مجهول بگوییم، گفته میشود کاسه واژگون شد وقتی مطاوعه گفته میشود،

چه تفاوتی دارد؟

#### ■ **چرا بعضی قواعد جوازی صرفی را خداوند در قرآن استفاده کرده است بعضی جاها استفاده نشده**

است؟ مثلاً گاهی گفته تنزّل و گاهی گفته است تنزل؟

#### ■ **تفاوت بابهای افعال و تفعیل چیست؟**

علامه میگوید: تفاوت انزال و تنزیل این است که یک قرآن تنزیلی داریم که طی بیست و

چندسال نازل شده است، زیرا باب تفعیل دلالت بر **تدریج** دارد و یک قرآن انزالی داریم که دفعتاً

نازل شده است، زیرا باب افعال دلالت بر **دفعه** بودن دارد.

توجه کنید که جای این مباحث در بلاغت نیست، چون گاهی میبینیم که میگویند محل این مباحث در بلاغت است، در حالی که محل آن در بحث صرف است و باید این مباحث به صورت عمقی پیگیری شود.

### لایه های سه گانه تحصیل هر علم:

در هر علمی سه لایه وجود دارد که باید مد نظر قرار گیرد. این لایه ها عبارتند از:

(۱) لایه **کاربردی**

(۲) لایه **تعمیقی**

(۳) لایه **اجتهادی**

هر گاه این سه لایه محقق شود، لایه اهداف **دانشی** محقق شده است اما کار تحصیل آخوندی به پایان

نرسیده است و دو لایه دیگر وجود دارد که این سه لایه در کل عبارتند از:

(۱) اهداف **دانشی**

(۲) اهداف **بینشی**

(۳) اهداف **بالعرض**

بنابراین علوم حوزوی دارای سه بعد است و اگر بر اثر ساده سازی، این لایه ها حذف شود، به این اهداف حوزوی

آسیب وارد میشود.